



انجمن علمی فقه‌پژای تطبیقی ایران



فصلنامه فقه‌پژای تطبیقی

Jurisprudential Review of Monetary Punishments with the Approach of Economic Law

Hadi Momeni¹, Mohamoud Rouhalamini*¹, Mohammad Jafar Saed³

1. Ph.D Student, Department of Criminal Law and Criminology, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Law, Faculty of Law and Theology, Shahid Bahonar University, Kerman, Iran. (Corresponding Author)

3. Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:

Original Research

Pages: 185-195

Corresponding Author's Info

ORCID: 0000-0002-8465-5260

TELL: +983433257141

Email: mrpf2005@yahoo.com

Article history:

Received: 10 Oct 2021

Revised: 20 Nov 2021

Accepted: 20 Jan 2022

Published online: 20 Feb 2022

Keywords:

Punishment, Fine, Economic Law.

ABSTRACT

In line with the implementation of criminal justice, the issue of monetary punishments has been discussed in the literature of legislators and writers of criminal law for many years. Due to the ineffectiveness of imprisonment and in order to reduce the criminal population and prevent the repetition of crimes, the alternative punishment of imprisonment prescribed in articles 64 and 85 of the Islamic Penal Code of 2013, i.e. (fine) was formed. Fines are of interest to legislators due to the ease of implementation, revenue generation for the government, and compensability. The results of the current research, which were collected by the descriptive-analytical method with library tools, show that monetary punishment as a guarantee of not committing many crimes in the judicial system of most countries has become more and more popular day by day. Because on the one hand, the government benefits from its implementation, and on the other hand, as an executive guarantee, disruption of public order is a tool in the hands of the legislator to take advantage of its punitive role in all kinds of preventive measures.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2022 The Authors.

How to Cite This Article: Momeni, H; Rouhalamini, M & Saed, MJ (2022). "Jurisprudential Review of Monetary Punishments with the Approach of Economic Law". *Journal of Comparative Criminal Jurisprudence*, 1(5): 185-195.



انجمن علمی فقه‌جزای تطبیقی ایران

فصلنامه فقه‌جزای تطبیقی

www.jccj.ir



فصلنامه فقه‌جزای تطبیقی

دوره اول، شماره پنجم، اسفند ۱۴۰۰

بررسی فقهی مجازات‌های نقدی با رویکرد حقوق اقتصادی

هادی مؤمنی^۱، محمود روح الامینی^{۲*}، محمد جعفر ساعد^۳

۱. دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲. استادیار، گروه حقوق، دانشکده حقوق و الهیات، دانشگاه شهید باهنر، کرمان، ایران. (نویسنده مسؤول)

۳. استادیار، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

چکیده

در راستای اجرای عدالت کیفری، مسأله مجازات‌های نقدی سال‌های متمادی است که در ادبیات قانون‌گذاران و نویسندگان حقوق کیفری مطرح می‌باشد. با توجه به ناکارآمدی مجازات حبس و به‌منظور کاهش جمعیت کیفری و جلوگیری از تکرار جرم، مجازات جایگزین حبس مقرر در مواد ۶۴ و ۸۵ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ یعنی (جزای نقدی) شکل گرفت. جزای نقدی به دلیل سهولت اجرا، درآمدزایی برای دولت و نیز قابل جبران بودن، مورد توجه مقنن است. نتایج پژوهش حاضر که با روش توصیفی-تحلیلی با ابزار کتابخانه‌ای جمع‌آوری شده است، نشان می‌دهد که جزای نقدی به‌عنوان ضامن عدم ارتکاب بسیاری از جرائم در سیستم قضایی اکثرکشورها روزه‌به‌روز رواج بیشتری یافته است زیرا از یک سو دولت از اجرای آن منتفع می‌شود و از سوی دیگر به‌عنوان ضمانت اجرایی، اخلال در نظم عمومی ابزاری در دست قانونگذار برای بهره‌گیری از نقش تنبیهی خود در انواع اقدامات بازدارنده است.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۱۸۵-۱۹۵

اطلاعات نویسنده مسؤول

کد ارکید: ۵۲۶۰-۸۴۶۵-۰۰۰۲-۰۰۰۰-۰۰۰۰

تلفن: +۹۸۳۴۳۲۲۵۷۱۴۱

ایمیل: mrpf2005@yahoo.com

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۱۸

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۰/۰۸/۲۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۰/۳۰

تاریخ انتشار: ۱۴۰۰/۱۲/۰۱

واژگان کلیدی:

مجازات، جزای نقدی، حقوق اقتصادی.

خوانندگان این مجله، اجازه توزیع، ترکیب مجدد، تغییر جزئی و کار روی حاضر به صورت غیرتجاری را دارند.



© تمامی حقوق انتشار این مقاله، متعلق به نویسنده می‌باشد.

مقدمه

در حقوق کیفری، جزای نقدی تحت عنوان «اجبار متهم به پرداخت مبلغی وجه نقد» مطرح می‌باشد. مسأله این است که استفاده از جزای نقدی از منظر فقهای اسلامی چه آثاری را به دنبال دارد؟ و با چه هدفی انجام می‌شوند؟ در واقع برای پیشگیری از جرائمی که انگیزه مجرم در آنها کسب سود و ثروت اندوزی است، جزای نقدی مؤثر و مانع از تکرار جرم در این قبیل افراد که محرک آنها از ارتکاب مجرم، حرص شدید و سودجویی است می‌باشد. ضرورت استفاده از جزای نقدی به عنوان مجازات برخلاف مجازات زندان را می‌توان در عدم ایجاد تباهی و فساد دانست. توضیح آنکه محیط زندان طبیعتاً جرم‌زا است و اثرات مخرب فراوانی دارد و حال آنکه جزای نقدی موجب ایجاد تباهی و فساد در بزه‌کاران نخواهد بود و همچنین ایجاد تناسب میان جرم و مجازات جزای نقدی از هر مجازات دیگری آسان‌تر است و در پایان، استفاده از جزای نقدی ضمن برآورده کردن اهداف عدالت کیفری، نه تنها هزینه مادی اجرای مجازات زندان را کاهش می‌دهد بلکه منبع درآمدی برای دولت هم محسوب می‌شود. جزای نقدی برای ترمیم وضع خسارت دیده از جرم نیست تا به متضرر پرداخت شود بلکه مرتکب جرم به خاطر اخلال در نظم و امنیت عمومی و اضرار به منافع جامعه و حتی تنبیه مجرم، مسؤول پرداخت جزای نقدی به حساب خزانه دولت است. با تصویب ماده ۷۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به نظر می‌رسد که نظر قانون‌گذار در مورد حبس‌های کوتاه مدت تغییر کرده است و به صراحت در ماده ۷۰ مبنی بر الزام به تعیین مدت مجازات حبس اولیه ضمن تعیین مجازات جایگزین، اعتبار صدور حبس کمتر از ۹۱ روز را مجاز دانسته است.

پرسشی که در پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به آن هستیم این است که از منظر فقهی، مجازات‌های نقدی در تکرار جرم با رویکرد حقوق اقتصادی چه تأثیری دارند؟ فرضیه‌ای که در پاسخ به این پرسش مورد بررسی قرار می‌گیرد این است که در واقع جزای نقدی یکی از مجازات‌هایی است که بیش از مجازات‌های دیگر قابلیت انعطاف و انطباق با وضع محکوم علیه را دارد و از آثار مستقیم آن را می‌توان کمک به اقتصاد

کشور و همچنین اجرای بدون تحمیل هزینه به نظام یاد کرد. با توجه به مطالعاتی که در این زمینه صورت پذیرفته، تاکنون تحقیق جامع و مانع که در خصوص بررسی فقهی مجازات‌های نقدی در تکرار جرم با رویکرد حقوق اقتصادی صورت پذیرفته باشد انجام نشده است.

۱- مفهوم‌شناسی

در این قسمت به بررسی مختصری از مفاهیم پژوهش خواهیم پرداخت.

۱-۱- جزای نقدی

از نظر اصطلاحی قانون مجازات اسلامی جزای نقدی را تعریف نکرده و سابقه‌ای از آن در قوانین دیده نمی‌شود. حقوقدانان ایرانی هر یک سعی کرده‌اند به نوعی تعریفی از آن به دست دهند. برخی جزای نقدی را به «الزام محکوم به پرداخت مبلغی وجه نقد» تعریف می‌کنند (علی آبادی، ۱۳۹۲: ۱۱۲). این تعریف به دلیل اینکه جریمه‌های مدنی را نیز شامل می‌گردد تعریفی مانع به نظر نمی‌رسد (آخوندی، ۱۳۹۴: ۱۲۴). یکی از حقوقدانان آن را «اجبار متهم به پرداخت مبلغی وجه نقد» تعریف می‌کند که البته واژه متهم در تعریف ایشان به نظر چندان مناسب نیست و محکوم علیه یا مجرم می‌تواند مناسبتر باشد زیرا، اساساً واژه «متهم» در حقوق جزا به کسی گفته می‌شود که انتساب جرم به او محرز نیست و نقطه مقابل مجرم به کار می‌رود، عده‌ای آن را عبارت از «محکومیت مجرم به تأدیه مبلغی به عنوان مجازات به خزانه دولت» می‌دانند (ملک اسمعیلی، ۱۳۵۵، ۱۶۴).

۱-۲- حقوق اقتصادی

از زمان تولد این رشته جدید در آلمان، دانشگاه‌های آلمانی به تدریس «حقوق اقتصادی» پرداخته و مؤسسات پژوهشی به مطالعه و تحقیق پیرامون آن همت گمارده‌اند. امروز در این کشور «حقوق اقتصادی» بسیار توسعه یافته است. تعریفی که بیشتر حقوق‌دانان آلمانی درباره آن اتفاق نظر دارند، حکایت از این دارد که «حقوق اقتصادی» مجموعه قواعد حقوقی مختلفی است که نسبت به فعالیت‌های اقتصادی به اجرا در می‌آیند (قاسمی، ۱۳۹۴: ۵۵-۳۱).

۲- رویکرد قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در قبال تعیین جزای نقدی

قاضی محکمه پیش از اصلاح قانون می‌توانست مجازات جزای نقدی را یک بار طبق ماده ۱۶ به‌عنوان تعزیر و به‌عنوان مجازات اصلی اعمال نماید و بار دیگر به‌عنوان تتمیم مجازات و طبق ماده ۱۷ و ۱۹ مقرر دارد. این اشکالات باعث گردیده است نویسندگان قانون جدید مصوب اسفند ماه ۱۳۹۲ ماده ۱۷ و عنوان مجازات بازدارنده را به‌طور کلی حذف نمایند و مجازات‌ها را به همان چهار عنوان فقهی حدود، قصاص، دیات و تعزیرات منحصر نمایند (ماده ۱۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲). امری که باعث می‌شود همه این بحث‌ها، ایرادها و اشکالات که به لحاظ ماهیت ظاهراً دوگانه برخی مجازات‌ها مانند جزای نقدی به وجود آمده بود مرتفع گردد. قانون مجازات جدید کیفرهای تعزیری را بر حسب شدت تقسیم‌بندی نموده است و در آن حبس و جزای نقدی با انعطاف‌پذیری بالا و به‌طور مساوی در کنار یکدیگر در شدیدترین تا ضعیف‌ترین تعزیرها حضور دارند. نگاه قانون جدید مجازات به کیفر جزای نقدی نسبت به قانون فعلی بسیار تغییر کرده و آن را از مجازاتی غالباً پیوسته با حبس که در غالب موارد نیز تابعی از حبس قرار دارد جدا کرده و شدیدترین نوع آن را در جایگاهی مهم تراز حبس و مصادره اموال و بالاتر از بسیاری مجازات‌های اجتماعی و شلاق و محرومیت از حقوق قرار داده است. مطابق قانون جدید، جزای نقدی از زمره مجازات‌های تکمیلی و تبعی خارج و تنها به‌عنوان مجازات اصلی قابل اعمال است و در بسیاری از جرایم به‌خصوص مالی جای شلاق و حبس را گرفته و مجازات غالب در جرایمی است که ماهیت صرفاً «تعزیر حکومتی» دارند. به‌علاوه امتیاز خاصی که جزای نقدی نسبت به حبس در قانون مجازات اسلامی جدید به‌دست آورده امکان اعمال آن نسبت به اشخاص حقوقی است (شامبیاتی، ۱۳۹۷: ۳۴).

۳- مبانی فقهی جزای نقدی

این قسمت در نظر دارد مبانی تقنین مجازات جزای نقدی را در قانون مجازات مورد بررسی قرار دهد. در این راستا ابتدا

جواز شرعی جزای نقدی را از طریق بررسی رویکردهای فقهی در این باره در مبحث مورد بررسی قرار می‌دهد زیرا قوانین و مقررات جزایی طبق اصل چهارم قانون اساسی باید مطابق با موازین اسلامی باشند و مجازات‌ها نیز به طبع آن باید براساس مبانی شرعی قابل توجیه باشند. بر این اساس است که بررسی جواز شرعی مجازات جزای نقدی در بحث کیفرشناختی آن در ایران یک ضرورت است. در همین راستا جزای نقدی می‌تواند در زمره مجازات‌هایی باشد که در فقه عنوان تعزیر دارند. با این وصف مبانی و گستره اعمال مجازات تعزیر در فقه است که وضعیت فقهی حاکم بر مجازات جزای نقدی را نیز روشن خواهد ساخت. بنابراین این مبحث می‌خواهد به این سؤالات پاسخ دهد که موجبات فقهی اعمال مجازات تعزیر چیست؟ و سپس گستره تعزیرات در رویکردهای فقهی چه انواعی از کیفر را در بر می‌گیرد و مشخصاً آیا جزای نقدی می‌تواند در زمره تعزیرات در فقه جایگاهی داشته باشد؟

۳-۱- موجبات فقهی اعمال تعزیر

در نظام جزائی اسلام، «اعمال هر یک از عقوبت‌های شرعی موجب و ملاک خاصی دارد که با حدوث آن ملاک، اعمال مجازات در مورد مرتکب، قابل بررسی است. برای مثال ملاک اجرای حد مسکر، نوشیدن ماده سکرآور است که با تحقق شرایط آن، حد شرعی در مورد شارب مسکر اعمال می‌شود. ویژگی‌های مجازات تعزیری و گستره آن، این سؤال را مطرح می‌سازد که ملاک اعمال مجازات تعزیری چیست؟

«از نظر فقهای اسلام، ارتکاب هر معصیتی مستوجب عقوبت است. در کتابهای فقهی، معصیت به رفتاری گفته می‌شود که شارع مقدس ادای آن را حرام یا ترک آن را واجب کرده است» (عوده، ۱۳۷۳: ۱۷۲). «به‌طور کلی، غیر از جنایات مشمول عقوبت‌های قصاص و دیه، قول مشهور فقهای امامیه آن است که هر معصیتی مشمول عقوبت حد نباشد قابل تعزیر است احدی از فقها معتقد است: «هر کس مرتکب معصیتی شود که حدی برای آن تعیین نشده است، تعزیر می‌شود... مانند این که به کسی دشنام دهد یا کسی را مورد ضرب قرار دهد» (طوسی، ۱۴۲۰: ۶۶). محقق حلی در باب حدود از کتاب

شرایع می‌فرماید: «هر کس فعل حرامی را مرتکب شود یا فعل واجبی را ترک کند، بر امام، تعزیر او تا اندازه‌ای که به حد نرسد جایز است و تعیین میزان تعزیر با امام است.» (محقق حلی، ۱۳۸۶: ۱۸۷۳).

۳-۲- جواز شرعی جزای نقدی

همانطور که گفته شد در شرع برای تعزیر اندازه‌ای معین نشده و مقدار آن بستگی به نظر حاکم شرع دارد. لیکن در مباحث فقهی این مسأله مورد اختلاف است که آیا تعزیر تنها اختصاص به کیفر بدنی (تازیانه) دارد یا سایر مجازات‌ها و از جمله مجازات مالی (تعزیر مالی) را نیز در برمی‌گیرد؟ البته این بحث در میان قدما و متأخران به این شکل چندان مطرح نیست و در واقع برخی از این‌ها مانند جزای نقدی مجازاتی است که در جریان تحولات نظام کیفری مدرن در جهان به‌عنوان مجازات به نظام‌های کیفری راه یافت. اما مقصود در اینجا یافتن مستمسکی بر جواز آن در فقه و تأملی در مباحث فقهی متقدم و متأخر است که از خلال بررسی مجازات «تعزیر» اشاراتی بدین مسأله نموده‌اند.

آنچه که به‌عنوان مصداق تعزیر در کلمات فقها آمده غالباً «ضرب» (تازیانه) است. در مواردی محدودتر حبس و توبیخ نیز به‌عنوان مصادیق تعزیر آمده است. در حالی که از فقه‌های متقدم هیچکدام به أخذ مال به‌عنوان مصداقی از تعزیر اشاره ننموده‌اند. برخی از فقها صراحتاً تعزیر را شامل سه چیز ندانسته‌اند: قطع عضو، ایجاد جرح و أخذ مال. از جمله علامه حلی معتقد است: «تعزیر با زدن یا حبس کردن یا توبیخ به هر صورتی که امام صلاح بداند صورت می‌گیرد و در آن قطع جائز نیست و همچنین جرح و أخذ مال نیز نیست (علامه حلی، ۱۳۱۵: ۲۲۷). ابن فهد نیز تعزیر را غیر از قطع و جرح و خسارت مالی دانسته که می‌توان أخذ مال را نیز مصداق خسارت قرار داد (ابن فهد، ۱۳۹۹: ۷۳).

در میان معاصران فقه شیعه، آن‌هایی که صراحتاً از تعزیر مالی سخن گفته‌اند در مصداق بودن جریمه نقدی برای تعزیر و در نتیجه، مشروعیت تعزیر مالی، اختلاف کرده‌اند. برخی به دلیل عدم وجود جواز شرعی در امکان تعزیر با

جریمه نقدی تردید نموده‌اند. آیت الله گلپایگانی در پاسخ به سؤالی مبنی بر اینکه حبس و جریمه نقدی به‌عنوان تعزیر جواز شرعی دارد یا خیر اعلام نموده‌اند: «تعزیر به حبس در بعض موارد جایز است ولی دلیل بر جواز جریمه نقدی به‌نظر نرسیده است» (گلپایگانی، ۱۳۷۵: ۲۳۳). و تعدادی از اینها اعتقاد دارند این امر با قاعده «لئاس مسلطون علی اموالهم» مغایرت دارد (طبسی، ۱۳۹۱: ۳). و همچنین اینکه أخذ مال غیر الا به اذن او جائز نیست. اما غالباً به‌طور اطلاق تعزیر را به نظر حاکم قرار داده‌اند که در هر موضع و موردی بنا به مصلحتی که می‌بیند می‌تواند اعمال نماید (فیض کاشانی، ۱۳۶۷: ۳۰۹). و غرض و مقصود از برقراری آن را - مطابق روایتی که امام علی (ع) دو نفر را از کوفه تبعید نمود - تحقیر و ذلیل کردن مجرم دانسته‌اند. برخی فقه‌های معاصر حنفی نیز به جواز تعزیر به مال و جزای نقدی اشاره نموده‌اند و گفته‌اند اگر توبه کند مال مأخوذه را به وی باز می‌گردانند. غالب فقه‌های معاصر شیعه امکان تعزیر با جزای نقدی را پذیرفته‌اند.

از خلال استدلالات فقه‌های موافق می‌توان به چند دلیل عمده در جواز توسعه تعزیر به غیر از موارد ضرب اشاره نمود: ۱- معنی اصلی «تعزیر» از میان هشت معنی مختلف که برای آن ذکر کرده‌اند، طبق تصریح بسیاری از ارباب لغت «منع» یا «نصرت» و یاری کردن است. هرگاه مفهوم آن منع باشد ما باید به سراغ اموری برویم که مجرم را از تکرار جرم باز می‌دارد؛ خواه تازیانه باشد یا حبس و جزای نقدی و یا غیر آنها (البته جز در مواردی که نص خاصی در مسأله وارد شده باشد) و اگر به معنی «یاری کردن» باشد منظور این است که مجرم را به وسیله مجازات و تأدیب یاری دهیم که تسلط بر خویشتن پیدا کرده و از تکرار گناه خودداری نماید، و به این ترتیب در ریشه این لغت محدودیتی نیست، هر چند غالباً آن را به معنی ضرب که یکی از مصادیق منع و نصرت است تفسیر کرده‌اند. ۲- فقه‌های شیعه با اینکه غالباً در مورد تفسیر تعزیر، مسأله ضرب را ذکر می‌کنند، اما افراد بزرگی از آنها در کلماتشان تصریح کرده‌اند که تعزیر منحصر به ضرب نیست. تفسیری که غالب آنها ذکر کرده‌اند به خاطر آن بوده که فرد شایع در آن زمان، تأدیب از طریق

شود. سیاست کیفری قانونگذاران ایرانی نیز در طول یکصد سال اخیر از این نظریات متأثر شده است و قانونگذار ایرانی ضمن اینکه توجهی ویژه به رویکردهای فقهی در این باره داشته است اما مبانی و اصول مسلم نوین حقوق جزا را نیز پذیرفته و در گزینش کیفرها به دستاوردهای نظری در سطح بین‌المللی توجه نموده است.

۴-۱- سزاگرایی

مکتب سزاگرا اعتقاد دارد که مجرم مسؤولیت اخلاقی دارد و به‌واسطه جرمی که انجام داده باید مجازات شود تا به سزای عمل ضد اجتماعی خود برسد. از نظر اینان مجازات باید بتواند به‌طور عادلانه، سریع و قاطع و به‌طور مساوی مجرمان را به سزای عملشان برساند. اما آیا جزای نقدی این ظرفیت را دارد که سزاگرایان را اقناع نماید؟ سزاگرایی مطلق به عدالت و تساوی در مجازات اهمیت زیادی می‌دهد. از سوی دیگر جزای نقدی مجازاتی است که میزان سزادهی آن بر اساس میزان ثروت افراد بسیار متغیر خواهد بود. ثروتمندان به راحتی یک مجازات ثابت نقدی را تحمل می‌کنند در حالی که برای افراد با درآمد پایین‌تر همان میزان جزای نقدی می‌تواند بسیار سنگین باشد در حالی که سزاگرایان مطلق به اعمال مجازاتی یکسان برای مرتکبین جرمی یکسان معتقدند و آن را مصداق عدالت جزایی می‌دانند. مسأله تناسب جرم با مجازات در نظریه سزادهی بسیار حائز اهمیت است و هر یک از نظریه پردازان این مکتب سعی در ارائه ملاکی برای آن داشته‌اند (فرج‌اللهی، ۱۳۸۹: ۱۹۶).

در قانون جدید مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ جزای نقدی و جزای نقدی روزانه به‌عنوان مهمترین مجازات‌های جایگزین حبس مطرح شده‌اند. (ماده ۶۴). سیاست کیفری قانون‌گذار ایرانی در قانون جدید این است که حبس‌های کمتر از ۹۱ روز را ممنوع نماید مگر اینکه مجرم مرتکب تکرار جرم گردیده باشد که از این قاعده مستثنی است. به نظر می‌رسد نویسندگان قانون جدید از اندیشه‌های مکتب دفاع اجتماعی در توسعه تقنین جزای نقدی به‌جای حبس‌های کوتاه مدت بهره برده‌اند. زیرا جزای

ضرب بوده است. به‌طور مثال مرحوم شهید ثانی در اول کتاب الحدود مسالک می‌گوید: «و التعزیر لغة التأديب و شرعاً عقوبه او اهانه لا تقدیر لها باصل الشرع غالباً»، و یا صاحب ریاض در همین زمینه می‌فرماید: «و یمكن تعمیم التعزیر لما دون الضرب ایضاً من مراتب الانکار» و همچنین غیر آنها. بنابراین وجود فرد شایع و استعمال لفظ در آن، مادامی که به شکل وضع تعینی جدید در نیامده نمی‌تواند مانع از عمومیت معنی لغوی تعزیر باشد و هیچ دلیلی وجود ندارد که قبول کنیم که این کلمه مفهوم عام اصلی خود را که منع است از دست داده باشد و از سوی دیگر اصل عدم نقل از اصول عقلائی است (مکارم شیرازی، ۱۳۶۳: ۳).

برخی فقها به دلیل مسلم دیگری اشاره می‌کنند و آن توسعه حوزه اختیارات ولی فقیه (حاکم شرعی) در جامعه اسلامی است. امام خمینی^(ه) معتقدند برخی تعزیرات که عنوان تعزیر شرعی نداشته باشد در قالب احکام سلطانیه و به صورت تعزیر حکومتی قابل اعمال است و عنوان آن طی استفتاء معروف ایشان مجازات بازدارنده نام گرفت. اما در تعزیرات شرعی احتیاط را در اعمال مجازات منصوصه دانسته‌اند. از ایشان سؤال شده است که: حبس، نفی بلد، تعطیل محل کسب، منع از ادامه خدمت در ادارات دولتی، جریمه مالی و به‌طور کلی هر تنبیهی که به نظر می‌رسد موجب تنبیه و خودداری از ارتکاب جرایم می‌گردد، جایز است به‌عنوان تعزیر تعیین شود یا در تعزیرات به مجازات‌های منصوص باید اکتفا کرد؟ ایشان پاسخ داده‌اند که در تعزیرات شرعیه احتیاط آن است که به مجازات‌های منصوصه اکتفا شود، مگر آنکه جنبه عمومی داشته باشد، مثل احتکار و گران‌فروشی که با مقررات حکومتی داخل در مسأله دوم می‌باشد (موسوی خمینی، ۱۳۶۵: ۳۳۹).

۴- تقنین مجازات جزای نقدی بر اساس نظریه‌های حقوقی

امروزه آنچه اساس حقوق کیفری مدرن و تقنین مجازات‌ها را در بسیاری از کشورهای جهان تشکیل می‌دهد نظریه‌های حقوقی است که در چند سده اخیر مطرح شده و تلاش شده تا مدل مفهومی خاصی برای تعیین کیفر پیشنهاد

کارآمدی تغییر یابند و پشتوانه‌ای برای رسیدن به اهداف اقتصادی باشند، مطرح کرده‌اند. کشور ما نیز از جمله کشورهای درحال توسعه است که به‌دنبال اصلاح نظام اقتصادی است. اقتصاددانان معتقدند که هرگونه تغییر در سیاست کیفری، مستقیم و غیر مستقیم بر متغیر از این رو وضع مجازات‌های اقتصادی اثرگذار است و نهایتاً تخصیص منابع را متأثر می‌سازد. در جرایم مختلف بدون توجه به مسائل اقتصادی و عدم استفاده از ابزارهای اقتصادی می‌تواند به شکست این سیاست منجر شود. رویکرد اقتصادی این امکان را فراهم می‌آورد که بتوان از ابزارها و روش‌های اقتصادی برای تبیین و پیشبینی قوانین کیفری استفاده کرد. در مقررات کیفری ایران مجازات جزای نقدی حضوری گسترده در زرادخانه کیفری کشور ما دارد و این حضور بسیار در حال توسعه نیز هست. در قانون جدید مجازات اسلامی ایران کیفر جزای نقدی به شکل بسیار نظام‌مندتری به ویژه در مورد جرایم مالی وضع شده است (کاشی و شهیکی تاش، ۱۳۸۶: ۱۴۴). قانون‌گذار ایرانی در تحلیل اقتصادی حقوق بر این باور است که تعیین ارزش منافع به دست آمده یک موضوع کاملاً اخلاقی است، چنانکه دیوید فرید من بیان می‌کند «وقتی که ما مجرمان را بر اساس استحقاق یا عدم استحقاق ایشان طبقه‌بندی می‌کنیم، در نتیجه‌گیری خود (درباره میزان مجازات) دچار اشتباه می‌شویم، چراکه فرض را در تعیین مجازات بر این می‌گذاریم که باید با مجرمان رفتاری بدتر از نتایج اعمالشان شود اما، تحلیل اقتصادی، برای حل این مشکل می‌گوید باید متولیان سیاست کیفری، منافع اکتسابی بزهکار را جزء تابع رفاه جامعه قلمداد کنند تا بتوانند با توجه به آن مجازاتی بهینه تعیین کنند، زیر زمانی که منافع اکتسابی تابع رفاه جامعه قلمداد شود، می‌توان به یک مجازات بهینه با ترکیب سایر عناصر دست یافت» (انصاری، ۱۳۸۸: ۱۲۴).

برخی مجازات‌ها مانند جزای نقدی هزینه‌های زیادی را به جامعه تحمیل نمی‌کند، اما برخی دیگر چون مجازات حبس به ویژه حبس ابد، بار مالی زیادی برای دولت و جامعه دارد. از دیدگاه تحلیل اقتصادی حقوق، مجازات جزای نقدی از دو جهت بر مجازات حبس ترجیح دارد: نخست اینکه این مجازات در مقایسه با مجازات حبس، بار مالی چندانی ندارد،

نقدی و جزای نقدی روزانه در زمره اولین مجازات‌های جایگزین مطرح شده‌اند (فرج‌اللهی، ۱۳۸۹: ۱۹۹). هرچند اولویت از این حیث بر سایر مجازات‌های جایگزین ندارند و وضعیت مجرم و شخصیت وی در تعیین کیفر جایگزین ملاک عمل قرار خواهد گرفت اما با توجه به سهولت اعمال جزای نقدی و تردید در وجود امکانات و تمهیدات کافی در اجرای مجازات‌های جایگزین دیگر و تردید در تأثیرگذاری آنها، قضات خیلی زود به سراغ جزای نقدی یا جزای نقدی روزانه خواهند رفت. این گرایش با این ظرفیت در جزای نقدی نیز تقویت خواهد گردید که اعمال جزای نقدی به‌عنوان مجازات جایگزین به جهت رقمی بودن دارای ملاک آشکارتری از حیث شدت و ضعف است.

۲-۴- هزینه اجرای مجازات و مکتب تحلیل اقتصادی کیفر

این هزینه را می‌توان نتیجه چالش ناشی از ضرورت اعمال ضمانت اجرا از طریق مواد قانونی و مسأله محدودیت‌های اجرای آنها دانست. گفته می‌شود مؤلفه‌های اقتصادی بیشتر از تئوری‌های سنتی کیفرشناسی در تعیین سیاست کیفری نقش دارند. در واقع در اقتصادهای سرمایه‌داری خواه و ناخواه دولت‌ها و جامعه تمایل خواهند یافت تا به مسأله جرم و مجازات به‌صورت اقتصادی واکنش نشان دهند. در واقع مجازات به گون‌های باید باشد که کمترین هزینه را بر دولت و جامعه تحمیل کند و بیشترین اثرگذاری را داشته باشد این یک واقعیت است که بار اقتصادی قابل توجه مجازات باعث می‌شود مسائل اقتصادی تأثیر زیادی در تعیین سیاست کیفری داشته باشد. بر این اساس مکتبی در زمینه کیفرشناسی پدید آمد که از یافته‌های دانش اقتصاد در جهت گزینش کیفر و طرح یک سیاست کیفری بهره می‌جوید: مکتب تحلیل اقتصادی حقوق.

۳-۴- بهینه بودن مجازات با رویکرد اقتصادی

تحلیل اقتصادی حقوق، تحولاتی را در نحوه نگرش به قانونگذاری و مقررات‌گذاری به وجود آورده است. اغلب کشورها با پیشرفت‌های اقتصادی خود درصد برآمده‌اند تا قوانین موضوعه را نیز بر اساس مبانی اقتصادی تغییر دهند. از این رو، این شعار را که قواعد حقوقی باید در جهت

می‌تواند جزای نقدی را پرداخت کند. اقتصاددانان در این وضعیت، مجازات حبس را به‌عنوان مکمل بازدارنده تجویز می‌کنند. در قانون مجازات اسلامی ایران به نظر می‌رسد در اغلب جرایم تعزیری کم اهمیت‌تر که منفعت مادی برای مجرم هدف اصلی است نیز مجازات حبس یا شلاق در کنار جزای نقدی مقرر شده است یا اینکه قاضی مختار شده تا میان حبس یا جزای نقدی معادل آن کیفر مناسب را برگزیند تا بدین ترتیب قدرت بازدارندگی مجازات مدنظر قرار گیرد. مجازات حبس در مقایسه با جزای نقدی دارای بار مالی زیادی برای جامعه است. بنابراین، هر چه مدت زندان طولانی‌تر باشد، علاوه‌براین که هزینه‌ای برای بزهکار ندارد، سبب افزایش میزان هزینه‌های جامعه نیز می‌شود. در نتیجه، برخی می‌گویند افزایش جزای نقدی تا حدی که به بیشترین میزان ثروت افراد برسد، قبل از استفاده از حبس، بهینه است. سیاستگذار و قضات باید تا جایی که می‌توانند از مجازات جزای نقدی استفاده کنند و تنها در صورتی که این مجازات اثر بازدارندگی نداشت، به مجازات حبس متوسل شوند. در وضعیتی که میزان ثروت بزهکار بیشتر از زیان وارده یا مساوی آن باشد، اقتصاددانان معتقدند که نباید از مجازات حبس استفاده کرد. اما، در صورتی که میزان زیان وارده از میزان ثروت بزهکار بیشتر باشد، جزای نقدی تا میزان ثروت شخص تعیین می‌شود. سیاستی که البته در موارد محدودی قانونگذار ایران اتخاذ نموده است و در آن قاضی مختار شده است تا در مورد برخی جرایم مجازات حبس یا جزای نقدی یا ترکیبی از این دو را مورد حکم قرار دهد به نظر می‌رسد متأثر از این دیدگاه است و در آن قاضی مختار خواهد بود تنها جزای نقدی را مورد حکم قرار دهد یا اینکه ترکیبی از جزای نقدی و حبس را اعمال نماید. اما در قانون مجازات ایران حداقل و حداکثری برای جریمه نقدی مقرر شده است و حتی اگر سود مجرمانه بیشتر از حداکثر جریمه مقرر باشد امکان اعمال مازاد به‌عنوان جریمه از سوی قاضی وجود ندارد. قانونگذار در این موارد مجازات حبس را نیز به‌عنوان مکمل در اختیار قاضی قرار داده است تا قدرت بازدارندگی هر دو کیفر را در جهت کارآمدی کیفر به کار گیرد» (انصاری، ۱۳۸۸: ۱۳۰).

بنابراین دولت دیگر نیازی ندارد که منابع مالی خود را برای آن هزینه نماید. ثانیاً، هزینه‌های اجرایی مجازات جزای نقدی در مقایسه با هزینه‌های اجرای مجازات حبس بسیار کم است از نگرش اقتصادی، تعیین مجازات بهینه جزای نقدی و شرایط آن نیازمند انتخاب و ترکیب بهینه متغیرهای احتمال دستگیری، میزان جزای نقدی و مدت زمان لازم برای محکومیت از سوی قانونگذار است مجازات جزای نقدی اصولاً هزینه‌های زیادی را به جامعه وارد نمی‌کند.

۴-۴- مبنای سود در مقابل مبنای زیان از منظر اقتصاددانان

در تعیین جزای نقدی اقتصاددانان در محاسبه جزای نقدی بر مبنای زیان تنها به متغیر زیان وارده توجه می‌کنند و محاسبه سود مجرمانه را لازم نمی‌دانند. اما، در برخی وضعیت‌ها تعیین جزای نقدی بر اساس میزان زیان، کارایی لازم را ندارد و چه‌بسا محرکی برای ارتکاب جرایم بعدی هم باشد. اقتصاددانان، در این وضعیت، مبنای تعیین جزای نقدی را سود مجرمانه قرار می‌دهند. از نظر ایشان زمانی که سود مجرمانه مبنای قرار گیرد وضعیت بازدارندگی بهینه از کلیه جرایم به وجود می‌آید. بزهکاران در صورت دستگیری باید علاوه‌بر سود مجرمانه، هزینه‌هایی که جامعه برای کشف جرم کرده را به‌عنوان جزای نقدی بپردازند. در این وضعیت بزهکاران زمانی مرتکب جرم می‌شوند که سود مجرمانه بیشتر از جزای نقدی و سایر هزینه‌ها باشد. مثلاً در ماده ۵۳۵ قانون مجازات ۹۰ مقرر شده هر کس از برخی اسناد معمول استفاده نماید علاوه‌بر جبران خسارت به جزای نقدی درجه هفت محکوم خواهد شد. جبران خسارت در اینجا معادل سود بزهکار خواهد بود که البته به زیان‌دیده پرداخت می‌شود و صورت اجبار مدنی به خود دارد و جریمه نقدی در واقع به نوعی پرداخت هزینه‌هایی است که جامعه برای کشف و تعقیب جرم انجام داده است (انصاری، ۱۳۸۸: ۱۲۶).

برخی بر این باورند که «اگر مجازات جزای نقدی، مجازات منحصر رفتار بزهکارانه باشد، در بسیاری از موارد کارایی لازم را برای بازدارندگی از جرایم نخواهد داشت. از جمله، زمانی که ثروت بزهکار به‌اندازه‌ای است که به‌راحتی

البته این مشکل در مورد تمامی موارد جرم‌انگاری و مواردی که مجازات منحصر جرم ارتكابی حبس است در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ تا حدودی تلطیف شده است با توجه به اینکه با ارائه مجازات‌های جایگزین حبس و اجباری نمودن آن در حبس‌های زیر سه ماه مطلقاً و حبس‌های زیر شش ماه در موارد عدم وجود سابقه کیفری و در حبس‌های شش ماه تا یک سال بنا به اختیار قاضی دست قاضی در استفاده از مجازات‌های جایگزین در این موارد را بازتر از قبل نموده است. اما استفاده منحصر از جرم حبس با مکتب تحلیل اقتصادی مجازات و مجازات بهینه در تعارض است. از منظر تحلیل اقتصادی مجازات، محققان بر این باورند که در حالت اول (جایی که ثروت مجرم بیشتر یا مساوی با زیان وارده است) نباید از مجازات حبس استفاده کرد، زیرا مجازات حبس هزینه زیادی برای جامعه دارد و نمی‌شود به آن به‌عنوان یک ابزار بهینه مکمل برای افزایش بازدارندگی نگاه کرد. از این رو برخی می‌گویند زندان تنها در شرایطی مطلوب و بهینه است که منافع نهایی بازدارندگی از هزینه‌هایی نهایی که جامعه برای ضمانت اجراهای مکمل می‌کند، تجاوز نماید. با وجود اینکه قانونگذار به جزای نقدی توجه نموده و چه در حبس‌های کوتاه مدت و چه در مورد برخی جرایم اقتصادی از آن به‌عنوان مجازات اصلی یا تکمیلی و یا جایگزین بهره برده است می‌توان شمه‌ای از توجه به بهینه بودن مجازات جزای نقدی را ملاحظه نمود با این همه رویکرد غالب در نگاه قانونگذار ایرانی همچنان متکی بر مجازات حبس است. از میان ۲۲۸ مورد مجازاتی که در کتاب پنجم قانون مجازات تعیین شده است فقط در ۴۸ مورد به مجازات جزای نقدی اشاره شده است که در مقایسه با مجازات حبس (۲۱۳ مورد) بسیار ناچیز است؛ و این مسأله نشانگر این است که قانونگذاران اعتقاد چندانی به اثرگذاری مجازات جزای نقدی و قدرت بازدارندگی آن نداشته‌اند؛ حتی در بسیاری جرایم که با انگیزه صرف کسب منفعت مادی (سود) باشد (علی آبادی، ۱۳۹۲: ۸۶).

نتیجه‌گیری

این تحقیق در نظر داشت تا به تبیین مجازات نقدی از منظر فقهی و با رویکرد اقتصادی بپردازد. متون فقهی فقهای متقدم و متأخر حاکی از این است که جزای نقدی به‌عنوان نوعی تعزیر مانع فقهی ندارد و اگر چه فقهای متقدم صراحتاً به جواز آن حکم نکرده‌اند اما جز در مورد تعزیرات شرعی آن را نفی نکرده‌اند و بسیاری از فقهای معاصر تعیین جزای نقدی را به‌عنوان نوعی تعزیر از سوی حاکم شرع مجاز دانسته و پیرو آن قانونگذار در دوره‌های مختلف به تدریج جزای نقدی را در زرادخانه کیفری ایران توسعه داده است. بنابراین مکاتب مختلف حقوقی هر یک به سهم خود از تقنین مجازات جزای نقدی استقبال نموده‌اند. سیاست کیفری قانون‌گذار ایرانی در قانون جدید مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نیز این است که حبس‌های کمتر از ۹۱ روز را ممنوع نماید (مگر اینکه مجرم مرتکب تکرار جرم گردیده باشد که از این قاعده مستثنی است). به نظر می‌رسد نویسندگان قانون جدید از اندیشه‌های مکتب دفاع اجتماعی در توسعه تقنین جزای نقدی به‌جای حبس‌های کوتاه مدت بهره برده‌اند. از منظر هزینه اجرای مجازات نیز جزای نقدی بسیار مورد توجه مکاتبی قرار گرفته است که از این منظر به رابطه جرم و مجازات می‌نگرند. مکتب تحلیل اقتصادی حقوق با استفاده از دستاوردهای دانش اقتصاد به این نتیجه رسیده است که خصوصاً در جرایم مالی (که طیف وسیعی از جرایم را در برمی‌گیرد) جزای نقدی دارای کارایی فراوانی است و سود مجرمانه حاصل از جرم را از میان می‌برد و در نتیجه قدرت بازدارندگی کافی را خواهد داشت. در جرایم اقتصادی توجه قانونگذار به این نظریه کاملاً محسوس است به‌ویژه در قانون مجازات مرتکبین قاچاق و قانون مبارزه با مواد مخدر استفاده از جزای نقدی با این رویکرد بوده است که سود مجرمانه حاصل از جرم را از بین ببرد و در عین حال هزینه‌های دولت را در اجرای مجازات کاهش داده و آن را بهینه نماید. با همه این‌ها باید در نظر داشت که هدف اصلی از برقراری جزای نقدی مدنظر قرار دادن اهداف کیفری است و هدف مالی و اقتصادی از آن غیرمستقیم و کم‌رنگ است. بر این اساس و با تکیه بر اصول حاکم بر مجازات‌ها در مرحله وصول

منابع و مأخذ

- به‌عنوان طلب دولت نگرسته نمی‌شود در سیستم تبدیل حبس به جزای نقدی مقنن به لحاظ احتراز از معایب زندان‌های کوتاه مدت، جزای نقدی را جانشین حبس قرار داده است. این اقدام از آنجایی که به‌واسطه عدم پرداخت جزای نقدی محکوم علیه زندانی (بازداشت بدل از جزای نقدی) می‌گردد، نقض غرض محسوب می‌شود. برخی جرم‌شناسان در این موارد روی آوردن به مجازات‌های اجتماعی نظیر وادار کردن به انجام کارهای عام‌المنفعه و جزای نقدی روزانه را پیشنهاد نموده‌اند و حبس را به‌عنوان آخرین راهکار پیشنهاد داده‌اند با این همه رویکرد کیفری قانونگذار ایرانی در صورت عدم پرداخت یا تعذر از پرداخت جزای نقدی بازداشت است. مع‌الوصف، با وجود اینکه قانونگذار جزای نقدی را چه در حبس‌های کوتاه مدت و چه در مورد برخی جرایم اقتصادی از آن به‌عنوان مجازات اصلی یا تکمیلی و یا جایگزین بهره برده است؛ با این حال، رویکرد غالب در نگاه قانونگذار ایرانی همچنان متکی بر مجازات حبس است. از میان ۲۲۸ مورد مجازاتی که در کتاب پنجم قانون مجازات تعیین شده است فقط در ۴۸ مورد به مجازات جزای نقدی اشاره شده است که در مقایسه با مجازات حبس بسیار ناچیز است؛ این مسأله نشانگر این است که قانونگذاران اعتقاد چندانی به اثرگذاری مجازات جزای نقدی و قدرت بازدارندگی آن نداشته‌اند.
- ملاحظات اخلاقی:** موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانت‌داری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردید.
- تعارض منافع:** تدوین این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافی بوده است.
- سهم نویسندگان:** نگارش مقاله به‌صورت مشترک توسط نویسندگان انجام گرفته است.
- تشکر و قدردانی:** از تمام کسانی که ما را در تهیه این مقاله یاری رسانده‌اند، سپاسگزاریم.
- تأمین اعتبار پژوهش:** این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی سامان یافته است.
- ابن فهد حلی، احمد ابن محمد (۱۳۹۹). *المهذب البارع فی شرح المختصر النافع*. قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- انصاری، اسماعیل (۱۳۸۸). «تحلیل اثباتی و هنجاری حقوق کیفری». *اطلاع رسانی حقوقی*، ۱۹ و ۲۰: ۱۲۰-۱۴۰.
- آخوندی، محمود (۱۳۹۴). *آئین دادرسی کیفری*. جلد سوم، چاپ دهم، تهران: انتشارات مجد.
- شامیاتی، هوشنگ (۱۳۹۷). *زمینه حقوق جزای عمومی*. چاپ اول، تهران: انتشارات مجد.
- شیخ طوسی، ابا جعفر (۱۴۲۰). *المبسوط فی فقه الامامیه*. جلد هشتم، چاپ پنجم، نجف: نشر مکتبه المرتضویه لاحیاء الآثار الجعفریه.
- طبسی، نجم الدین (۱۳۹۱). *النفی و التعریب فی مصادر التشریع الاسلامی*. چاپ سوم، قم: نشر بوستان.
- علامه حلی (۱۳۱۵). *تحریر الاحکام الشرعیة علی مذهب الإمامیه*. چاپ اول، مشهد: انتشارات مؤسسه آل‌البیت علیهم السلام.
- علی آبادی، عبدالحسین (۱۳۹۲). *حقوق جنائی*. جلد دوم، چاپ سوم، تهران: انتشارات فردوسی.
- عوده، عبدالقادر (۱۳۷۳). *حقوق جنایی اسلام*. جلد یک، چاپ دوم، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- فرج‌اللهی، رضا (۱۳۹۸). *جرم‌شناسی و مسؤولیت کیفری*. چاپ دوم، تهران: نشر میزان.
- فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی (۱۳۶۷). *الوافی*. چاپ دوم، نجف: نشر مکتبه الامام امیر المومنین علی (ع).
- قاسمی، حامد (۱۳۹۴). «حقوق اقتصادی». *فصلنامه تحقیقات حقوقی*، ۴: ۳۱-۵۵.
- کاشی، فرهاد خداد و شهیکی تاش، محمد نبی (۱۳۸۶). «حوزه و وسعت قانون رقابت با توجه به ساختار اقتصادی

(مطالعه موردی ایران)». مجله پژوهش حقوق و سیاست، ۲۳: ۱۴۳-۱۷۸.

- گلیپایگانی، محمدرضا (۱۳۷۵). *المجمع المسائل*. چاپ اول، قم: انتشارات ایوقی.

- محقق حلّی (۱۳۶۸). *شرایع الاسلام*. ترجمه ابوالقاسم ابن احمد یزدی، جلد چهارم، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۶۳). «تحلیلی پیرامون مسأله تعزیر در اسلام». *مجله نور علم*، ۸: ۳۲-۴۴.

- ملک اسمعیلی، عزیزالله (۱۳۵۵). *حقوق جزای عمومی*. چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

- موسوی خمینی، روح الله (۱۳۶۵). *موازین قضایی از دیدگاه امام خمینی*. چاپ دوم، تهران: انتشارات شکوری.

